



اخلاق حرفه‌ای در نظام قضائی؛ از آموزه‌های دینی تا تجربه

علی اصغر مجتهدزاده*

چکیده

این پژوهش به بررسی و تبیین مبانی نظری و دینی اخلاق حرفه‌ای در نظام قضائی کشور می‌پردازد و تلاش دارد پیوند میان آموزه‌های وحیانی قرآن و سنت با الزامات قانونی و اداری حوزه قضا را در چارچوبی علمی و تجربی نشان دهد. در این تحقیق، با رویکردی توصیفی - تحلیلی و بر پایه تحلیل محتوای اسناد دینی، حقوقی و آیین‌نامه‌های نظارتی، داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی نگارنده گردآوری شده‌اند.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اخلاق حرفه‌ای در قضاوت نه صرفاً یک اصل آموزشی یا توصیه نظری، بلکه ضرورتی بنیادین برای تضمین سلامت ساختار قضائی، حفظ استقلال رأی قاضی و جلب اعتماد عمومی نسبت به عدالت قضائی است. نتایج نشان می‌دهد که نهادهای سازنده اخلاق حرفه‌ای با تلفیق آموزش‌های مستمر، تقویت نظام نظارتی، و بهره‌گیری از تجربیات قضات پیشکسوت امکان‌پذیر است. درنهایت، تدوین الگوی جامع اخلاق قضائی بر پایه آموزه‌های دینی و تجربیات عملی می‌تواند به ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری و کارآمدی نظام قضائی یاری رساند.

واژگان کلیدی: اخلاق - اخلاق حرفه‌ای - نظام قضائی - آموزه دینی - تجربه قضائی.

*. کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه علمی - کاربردی استان قم mojtaheda41@gmail.com

۱. کلیات

۱-۱. مقدمه

اخلاق حرفه‌ای در نظام قضائی، رکن بنیادین تحقق عدالت اجتماعی و ضامن اعتماد عمومی به دستگاه قضا محسوب می‌شود. در اندیشه اسلامی، قضاوت رسالتی الهی و اجتماعی است که برپایه اصولی چون عدالت، تقوا، بی‌طرفی و رعایت کرامت انسانی بنا شده است. قرآن کریم در آیه «إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء/۵۸)؛ قضاوت را امانتی الهی دانسته و بر ضرورت رعایت عدالت در داوری تأکید کرده است. همچنین روایات معصومان (علیهم‌السلام) قاضی را به پرهیز از هوا و هوس، رعایت اخلاق و استقلال در برابر فشارها فراخوانده‌اند و این امر نشان می‌دهد که اخلاق حرفه‌ای در قضاوت، نه یک توصیه نظری بلکه یک الزام دینی و اجتماعی است.

در قوانین و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، ازجمله بیانیه گام دوم انقلاب و سند تحول قضائی، اخلاق حرفه‌ای به‌عنوان بخشی از مأموریت قوه قضائیه معرفی شده و برخوردسازی و ارتقای اخلاقی کارکنان تأکید گردیده است. این اسناد نشان می‌دهند که نظام قضائی کشور، علاوه بر مبانی دینی، به پشتوانه‌های قانونی و اجرایی نیز متکی است. با وجود این پشتوانه نظری و دینی، تجربه عملی قضات نشان می‌دهد که چالش‌های متعددی در نهادینه‌سازی اخلاق حرفه‌ای وجود دارد؛ ازجمله فشارهای اجتماعی، کمبود آموزش‌های مستمر، و ضعف در نظام‌های نظارتی. این چالش‌ها نشان می‌دهد که پرداختن به موضوع اخلاق حرفه‌ای ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

موضوع تحقیق حاضر بررسی مبانی دینی و نظری اخلاق حرفه‌ای در نظام قضائی و تطبیق آن با الزامات قانونی و تجربیات عملی قضات است. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که اخلاق حرفه‌ای می‌تواند به‌عنوان عامل اصلی در ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری قضات و افزایش اعتماد عمومی به عدالت قضائی ایفای نقش کند. در این راستا، سؤال اصلی تحقیق چنین مطرح می‌شود: «اخلاق حرفه‌ای بر مبنای دینی چه تأثیری بر اجرای عدالت دارد؟» فرضیه تحقیق آن است که با آموزش مستمر و به‌کارگیری مبانی اخلاقی برگرفته از قرآن و سیره ائمه اطهار (ع) همراه با تقویت نظام‌های نظارتی و بهره‌گیری از تجربه قضات ارشد، می‌توان اخلاق حرفه‌ای کارکنان قوه قضائیه را ارتقا داد.

مقاله حاضر با رویکردی علمی - توصیفی و برپایه تحلیل محتوای منابع دینی، حقوقی و اسناد بالادستی، و نیز مشاهدات میدانی تنظیم شده است. این رویکرد امکان می‌دهد تا هم مبانی نظری و دینی اخلاق حرفه‌ای روشن شود و هم نسبت آن با الزامات قانونی و تجربه عملی قضات بررسی گردد.

ساختار مقاله به شرح زیر است:

- بخش نخست، مبانی نظری و دینی اخلاق حرفه‌ای تبیین می‌شود تا نشان داده شود که اخلاق در قضاوت ریشه در آموزه‌های وحیانی و سنت اسلامی دارد.
- بخش دوم، قوانین نظارتی و اداری با اصول اخلاقی اسلامی مقایسه می‌شوند تا نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی در نهادینه‌سازی اخلاق حرفه‌ای آشکار گردد.
- بخش سوم، تجربه عملی و زیسته قضات تحلیل می‌شود تا شواهد عینی از ضرورت اخلاق حرفه‌ای در دستگاه قضا ارائه گردد.
- این ساختار به خواننده کمک می‌کند تا مسیر تحقیق را به‌طور روشن دنبال کند و دریابد که چگونه ترکیب آموزه‌های دینی، الزامات قانونی و تجربه عملی می‌تواند الگویی جامع برای ارتقای اخلاق حرفه‌ای در نظام قضائی فراهم آورد.

۱-۲. اهمیت و ضرورت

اهمیت این مقاله در تبیین نقش اخلاق حرفه‌ای مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است؛ نقشی که بر عدالت و صیانت از حقوق انسان‌ها تأکید دارد و به‌عنوان ضرورتی اساسی برای پیشگیری و مدیریت منطقی تعارض‌های اجتناب‌ناپذیر اجتماعی مطرح می‌شود. این مقاله نشان می‌دهد که اخلاق حرفه‌ای نه تنها یک اصل نظری، بلکه یک ضرورت عملی برای تضمین سلامت نظام قضائی و ارتقای اعتماد عمومی به عدالت است. از آنجا که حفظ تعادل نظام اجتماعی از وظایف اساسی نظام سیاسی به شمار می‌آید، شناسایی و حل به‌موقع تعارضات آسیب‌زا در موقعیت‌های مختلف اجتماعی ضرورت می‌یابد. در این میان، قضاوت به‌عنوان حرفه‌ای کلیدی و اثرگذار نقش ویژه‌ای ایفا می‌کند و می‌تواند با رعایت اصول اخلاقی، از بروز بی‌عدالتی و تبعیض جلوگیری کند. اسلام نیز وجود قضات شایسته را برای رفع مشکلات اجتماعی ضروری می‌داند. امام صادق علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «بهترین مردم، کسانی هستند که عادلانه قضاوت کنند» [بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۲۶۶، ح ۲۰]؛ این بیان نشان می‌دهد که عدالت در قضاوت، معیار برتری انسان‌ها و اساس سلامت جامعه است. با توجه به اینکه احساس تبعیض و بی‌عدالتی در برخی موارد ناشی از تخلفات اخلاقی است، ضرورت دارد که اخلاق حرفه‌ای در نظام قضائی به‌صورت نهادی پایدار و آموزش‌محور نهادینه شود. این مقاله با رویکردی کاربردی می‌تواند به‌عنوان سند راهنما برای قضات، مدیران و مراکز آموزشی قوه قضائیه مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بدین ترتیب، نتایج پژوهش حاضر قادر است مسیر ارتقای اخلاق حرفه‌ای را روشن سازد و الگویی عملی برای بهبود کیفیت تصمیم‌گیری قضات و افزایش اعتماد عمومی به عدالت قضائی ارائه دهد.

۳-۱. مفهوم‌شناسی

۱-۳-۱. اخلاق حرفه‌ای

اخلاق در لغت به معنی دانش بد و نیک خوی‌ها است [دهخدا]، و در اصطلاح، به ملکات راسخ در روح گفته می‌شود که وصفی از اوصاف نفسانی است. [جوادی آملی، عبدالله؛ ادب قضا در اسلام، مرکز نشر اسراء، ص ۵۰، نشر قم ۱۳۹۰]. «حرفه» در زبان فارسی به معنای شغل، کار یا فعالیت است که فرد به صورت تخصصی انجام می‌دهد [فرهنگ معین]. براین اساس، اخلاق حرفه‌ای به مجموعه‌ای از اصول، ارزش‌ها و الزامات اخلاقی اطلاق می‌شود که رعایت آن‌ها در ایفای وظایف شغلی، به‌ویژه در مشاغل حاکمیتی و قضائی، ضروری است و ناظر به نحوه رفتار، تصمیم‌گیری و اعمال اختیار قانونی می‌باشد. در این چارچوب، اخلاق حرفه‌ای صرفاً به رعایت مقررات قانونی محدود نیست، بلکه شامل التزام عملی به عدالت، بی‌طرفی، صداقت، امانت‌داری، رازداری، مسئولیت‌پذیری و صیانت از حقوق و کرامت مراجعان نیز می‌شود.

۱-۳-۲. نظام قضائی

نظام:

نظام در لغت به معنی رشته، مروارید و جز آن است [دهخدا]، و نظم در لغت، کلام موزون در مقابل نثر تعریف شده است [دهخدا]. بنابراین، نظام به معنای مجموعه‌ای از اجزای بهم‌پیوسته است که با تأثیر متقابل در یکدیگر، به صورت هدایت‌شده، هدفی واحد و مشخص را دنبال می‌کنند.

قضا:

قضاء در لغت به معنی فیصله‌دادن به امر است [المفردات، راغب، ص ۶۷۵]، قضا در اصطلاح آن است که قاضی امور متخاصم را تمام کرده و از آن فارغ می‌شود [نجفی، جواهرالکلام، جلد ۴۰، صفحه ۸]، بر این مبنا، قضاوت منصبی است که انجام آن مستلزم احراز شرایط مقرر شرعی و قانونی، از جمله صلاحیت علمی، عدالت، سلامت اخلاقی و التزام عملی به موازین قضاوت عادلانه است. براین اساس، نظام قضائی به مجموعه منسجم نهادها، ساختارها، فرایندها و ضوابطی اطلاق می‌شود که با همکاری و هماهنگی متقابل، در راستای تحقق عدالت، احقاق حقوق، پیشگیری و حل و فصل اختلافات، و تأمین امنیت قضائی جامعه عمل می‌کنند.

۱-۳-۳. آموزه‌های دینی

آموزه، ترکیب بن فعل «آموز» با «ه» صفت مفعولی را تشکیل می‌دهد که به معنای آموختنی است. آموزه‌های دینی به همه آموخته‌های دینی گفته می‌شود که باتوجه به محتوا و کارکردهای آن به سه دسته

اعتقادات، اخلاقیات و احکام تقسیم می‌شوند [فیض، مبادی فقه و اصول، ص ۲۵ و ۱۳۷]، در این پژوهش، آموزه‌های دینی ناظر به مبانی اخلاقی و هنجاری حاکم بر رفتار قضات و کارگزاران قضائی، به‌عنوان پشتوانه شرعی الزامات اخلاق حرفه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرند.

۱-۳-۴. تجربه

تجربه در لغت به معنای آزمایش و امتحان است [دهخدا]، و در اصطلاح، به آگاهی یا مهارتی گفته می‌شود که فرد در طول زندگی به‌دست می‌آورد. در این تحقیق، تجربه شامل مشاهدات شخصی، پرونده‌های قضائی و پرونده‌های هیئت رسیدگی به تخلفات اداری است که به‌عنوان داده‌های عملی و عینی برای ارزیابی میزان تحقق اخلاق حرفه‌ای در نظام قضائی به کار گرفته می‌شوند.

۱-۳-۵. پیشینه

براساس بررسی‌های انجام‌شده در پایگاه‌های علمی و پژوهشی، اثری با عنوان «اخلاق حرفه‌ای در نظام قضائی، از آموزه‌های دینی تا تجربه» یافت نشد. بااین‌حال، کتاب‌ها و مقالات متعددی در حوزه اخلاق قضائی، اخلاق حرفه‌ای قضات و نقش آموزه‌های دینی در نظام قضائی منتشر شده است که از نظر موضوعی با این عنوان ارتباط نزدیک دارد.

ازجمله منابع مهم می‌توان به کتاب «ادب قضا در اسلام» اثر آیت‌الله جوادی آملی اشاره کرد که در آن اخلاق قاضی و آسیب‌های ناشی از فقدان اخلاق الهی از زاویه نظری مورد بحث قرار گرفته است. همچنین مجموعه‌ای از مقالات درباره اصول اخلاقی در قضاوت منتشر شده است؛ ازجمله مقاله «اصول اخلاقی برخورد با متهم در سیره قضائی امام علی (ع)» نوشته سیدروح‌الله پرهیزکاری (پژوهشنامه اخلاق، سال هفتم، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۲۶ ص ۱۳۵). افزون‌براین، در فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری (سال دوم، شماره‌های ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۸۶، نویسنده مسئول اخلاق و حقوق دکتر ناصر کاتوزیان استاد دانشکده حقوق، دانشگاه تهران)، منتشر شده است که در آن قواعد اخلاقی با تکیه بر وجدان شخص بررسی شده و به تفاوت‌های معرفت‌شناختی اخلاق و حقوق و برخی مصادیق اخلاق اجتماعی پرداخته شده است. با وجود این منابع، نکته مشترک آن‌ها فقدان توجه به انتقال تجربه عملی قضات پیشکسوت است. بنابراین، عنوان پیشنهادی این پژوهش با تمرکز بر پیوند آموزه‌های دینی و تجربه عملی قضات، نوآوری محسوب می‌شود و می‌تواند خلأ موجود در ادبیات علمی و پژوهشی را پوشش دهد.

۲. مبانی و چارچوب نظری اخلاق قضائی از منظر آموزه‌های دینی

اخلاق زیربنای پایداری نظام‌های اجتماعی و شرط تحقق رشد متوازن انسان است. هیچ نظام حقوقی، سیاسی یا مدیریتی بدون پشتوانه اخلاقی قادر به ایفای کارکرد پایدار نخواهد بود. دراین‌میان،

اخلاق قضائی به عنوان بخشی از اخلاق حرفه‌ای، نقش تعیین‌کننده‌ای در تضمین عدالت، اعتماد عمومی و مشروعیت نظام قضائی ایفا می‌کند.

قرآن کریم اصول بنیادین اخلاق قضائی را بر عدالت، امانت‌داری، پرهیز از تبعیض، صداقت در شهادت و رعایت تقوا بنا کرده است. آیاتی همچون نساء/۵۸، نساء/۱۳۵، مائده/۸ و شوری/۱۵ چارچوبی هنجاری برای رفتار قضائی ترسیم می‌کنند که در آن قضاوت نه صرفاً یک وظیفه اجتماعی، بلکه تکلیفی الهی تلقی می‌شود. براین اساس، قاضی در منطبق قرآن امانت‌دار الهی است و موظف است با پایبندی به عدالت، بی‌طرفی و تقوای فردی، زمینه حفظ حقوق مردم و اعتماد عمومی را فراهم سازد.

پس از قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین منابع اسلامی در تبیین اخلاق حرفه‌ای در عرصه حکمرانی و قضاوت، کلام و سیره معصومان (علیهم‌السلام) است.

مشروعیت قضاوت در نظام اسلامی بر مبانی الهی و دینی استوار است و همین امر، اخلاق قضائی را از یک الزام قانونی فراتر برده و به تعهدی اخلاقی و اعتقادی تبدیل می‌سازد. اصولی مانند استقلال قضائی، بی‌طرفی، شایسته‌سالاری و برابری در برابر قانون که در آموزه‌های دینی مورد تأکید قرار گرفته‌اند، در تجربه‌های حقوقی بشری و نظام‌های قضائی معاصر نیز جایگاه بنیادین یافته‌اند. از این رو، آموزه‌های دینی می‌توانند به عنوان پشتوانه‌ای نظری و اخلاقی، در کنار تجربه‌های عملی، به شکل‌گیری و تقویت نظام قضائی اخلاق‌مدار و عادلانه کمک کنند.

براین اساس، عدالت قضائی در نگاه قرآن و سیره معصومان (علیهم‌السلام) رکن اساسی حیات اجتماعی و شرط تحقق جامعه اسلامی است. دستیابی به عدالت قضائی مستلزم حضور قضاتی است که افزون بر تسلط بر قوانین، به ارزش‌های اخلاقی پایبند باشند. این بخش با اتکا به قرآن کریم و سیره معصومان، به‌ویژه نهج‌البلاغه، چارچوب نظری اخلاق حرفه‌ای قاضی مسلمان را تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که قضاوت در اسلام تنها یک وظیفه حقوقی نیست، بلکه رسالتی الهی، اخلاقی و اجتماعی است.

۲-۱. قرآن کریم

قرآن کریم به عنوان منبع بنیادین شریعت اسلامی، مفهوم «قضا» و «حکم» را در معانی متعددی به کار برده است که هر یک ناظر به بخشی از اخلاق قضائی است. مهم‌ترین کاربرد آن، داوری و فصل خصومت میان مردم است؛ چنان‌که می‌فرماید: «به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن حقیقی نخواهند بود، مگر آنکه تو را در آنچه میان خود نزاع و اختلاف دارند به داوری بپذیرند؛ سپس از حکمی که

کرده‌ای در دل خود هیچ ناخشنودی نیابند و کاملاً تسلیم شوند» [نساء/۶۵]. این آیه، پذیرش داوری عادلانه و التزام درونی به رأی قاضی را شرط ایمان حقیقی می‌داند و نشان می‌دهد که عدالت قضائی در نگاه قرآن، بخشی از ایمان است.

واژه «قضا» در قرآن همچنین در معانی دیگری چون عمل [طه/۷۲]، آشکارساختن [یوسف/۶۸]، اعلام و ایحاء [حجر/۶۶]، قطع و حتم [سبا/۱۴]، فرمان‌دادن [اسراء/۲۳]، اراده کردن [بقره/۱۱۷]، آفریدن [فصلت/۱۲] و پایان‌رساندن [قصص/۲۹] به کار رفته است. همچنین در معنای فراغ و فصل خصوصت آمده است: «تعبیر خوابی که از من جويا شدید، تحقیقش قطعی و انجامش حتمی شده است» [یوسف/۴۱]. این تنوع کاربردها نشان می‌دهد که «قضا» مفهومی ناظر به تصمیم الزام‌آور، مسئولیت‌پذیر و منتهی به فصل عادلانه دعوا است که با الزامات اخلاق حرفه‌ای قاضی پیوندی مستقیم دارد.

مبانی اخلاقی قضاوت در نگاه دینی قرآن کریم هدف آفرینش مرگ و حیات را آزمون اخلاقی انسان می‌داند: «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» [ملک/۲]. این آیه نشان می‌دهد که زندگی عرصه آزمایش اخلاقی است و فضایل و رذایل اخلاقی ریشه در اراده آزاد انسان دارند؛ بنابراین سامان اخلاقی جامعه بدون التزام فردی ممکن نیست.

۲-۱-۱. خوف از خدا و قیامت

قرآن کریم متقین را کسانی معرفی می‌کند که در نهان از خدا می‌هراسند: «الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ» [انبیاء/۴۸-۴۹]. مفسران، «غیب» را به مکان‌های دور از دید مردم تفسیر کرده‌اند [مجمع‌البیان، ج ۷، ص ۹۲؛ ج ۹، ص ۲۲۴؛ تفسیر قرطبی، ج ۱۱، ص ۲۹۵؛ زادالمسیر، ج ۵، ص ۲۴۷]. این اصل، تضمین‌کننده سلامت اخلاقی قاضی در غیاب نظارت ظاهری است. قرآن کریم متقین را کسانی معرفی می‌کند که در نهان از خدا می‌هراسند: «الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ» [انبیاء/۴۸-۴۹]. این آیه نشان می‌دهد که سلامت اخلاقی قاضی تنها در حضور مردم نیست، بلکه در خلوت و غیاب نظارت نیز باید پایدار بماند.

۲-۱-۲. تقوا

تقوا صفتی بازدارنده از گناه و معیار برتری انسان‌ها معرفی شده است: «گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست» [حجرات/۱۳]. این آیه بیانگر آن است که معیار برتری در قضاوت، نه جایگاه اجتماعی بلکه میزان پایبندی به تقواست.

۲-۱-۳. وفا به عهد و صبر در سختی‌ها

«وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ» [بقره/۱۷۷] و آیات مشابه [آل عمران/۷۶]؛ توبه/۴] نشان می‌دهند که قاضی باید در برابر فشارها و دشواری‌ها پایدار بماند و به عهد خود وفادار باشد؛ زیرا عدالت بدون صبر و استقامت تحقق نمی‌یابد.

۲-۱-۴. طهارت از گناه و شرک

«الَّذِينَ تَتَوَفَّيهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ» [نحل/۳۱-۳۲] و «وَسَيَقِ الْأَذِينَ اتَّقُوا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ...» [زمر/۷۳] نشان می‌دهند که پاکی از گناه و شرک شرط ورود به بهشت است. این اصل در اخلاق قضائی به معنای آن است که قاضی باید از آلودگی‌های اخلاقی و انحرافات فکری دور باشد تا بتواند داوری عادلانه انجام دهد.

۲-۱-۵. فروبردن خشم و گذشت از لغزش‌ها

قرآن کریم می‌فرماید: «وَالْكُظُمِيزَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» [آل عمران/۱۳۴] و «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» [بقره/۲۳۷]، این آیات نشان می‌دهند که فروبردن خشم و گذشت از خطاهای دیگران، نشانه تقوا و از فضایل بزرگ اخلاقی است. در عرصه قضاوت، این اصل به معنای آن است که قاضی باید از واکنش‌های احساسی پرهیز کند و با روحیه گذشت، زمینه اصلاح و عدالت را فراهم سازد.

۲-۱-۶. تعظیم شعائر و تقوا در روح و نفس

«وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» [حج/۳۲]، همچنین پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «معدن تقوا قلوب عاقلان است» [روضة الواعظین، ص ۴]، این اصل بیانگر آن است که احترام به شعائر الهی و پابندی قلبی به تقوا، اساس سلامت روحی و اخلاقی قاضی است. قاضی‌ای که شعائر الهی را بزرگ می‌دارد، در تصمیم‌گیری‌های خود از هوای نفس دور می‌ماند و عدالت را بر پایه ایمان و تقوا اجرا می‌کند.

۲-۱-۷. رعایت عدالت

«اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» [مائده/۸]، این آیه عدالت را نزدیک‌ترین راه به تقوا معرفی می‌کند. در اخلاق قضائی، رعایت عدالت نه تنها وظیفه قانونی بلکه تکلیف الهی است. قاضی با اجرای عدالت، هم به تقوا نزدیک می‌شود و هم اعتماد عمومی به نظام قضائی را تقویت می‌کند.

۲-۲. سیره معصومین علیهم السلام

نامه ۵۳ نهج البلاغه (فرمان امام به مالک اشتر)، از برجسته‌ترین اسناد مدیریتی و قضائی در میراث اسلامی است. در این نامه، اصولی چون شایسته‌سالاری، استقلال قضائی، برابری همگان در برابر قانون و دقت در رسیدگی به دعاوی با بیانی روشن و نظام‌مند مطرح شده است. تأکید امام علی (علیه السلام) بر انتخاب «بهترین فرد» برای قضاوت، نشان‌دهنده تقدم صلاحیت علمی، تجربه و تقوای اخلاقی قاضی است. همچنین توصیه به مصونیت قاضی از نفوذ صاحبان قدرت، پرهیز از شتاب‌زدگی در صدور حکم، توجه دقیق به ادله و شنیدن سخنان هر دو طرف دعوا، از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای قضائی در این متن به شمار می‌رود.

در منطق اسلامی، علم و اختیار حرفه‌ای تنها زمانی کارآمد است که با التزام اخلاقی همراه باشد. این اصل در سیره معصومان (علیهم السلام) به‌ویژه در کلمات امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به‌روشنی بیان شده است؛ آنجا که اخلاق را معیار کرامت و صلاحیت انسان می‌دانند: «اصرار و پافشاری خود را در کسب صفات ارزشمند اخلاقی و کردارهای پسندیده قرار دهید» [خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه]، و «هیچ سرمایه‌ای گران‌بهارتر از اخلاق نیکو نیست» [حکمت ۱۱۳ نهج البلاغه]. بنابراین، اخلاق در عرصه قضاوت صرفاً یک فضیلت فردی نیست، بلکه شرط تحقق عدالت قضائی است و همین امر پیوند آموزه‌های دینی با تجربه عملی قاضی را معنا می‌بخشد.

اسلام، تهذیب نفس را مقدمه پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی می‌داند؛ زیرا «از کوزه همان تروارد که در اوست» [کلیات اشعار شیخ بهایی، ص ۸۲]، انسانی که در تهذیب اخلاق کوتاهی کند، در هر جایگاهی، از جمله قضاوت، ممکن است منشأ انحراف شود. چنان‌که در کتاب «ادب قضاء در اسلام» تأکید شده است، قاضی فاقد التزام اخلاقی در مقام داوری نیز از مسیر الهی خارج می‌شود [جوادی آملی، ادب قضاء در اسلام، ص ۸۶].

۲-۲-۱. ایمان به خداوند

ایمان به ذات ربوبی پشتوانه اصلی رفتار اخلاقی است و اصلاح رابطه با خدا، به اصلاح رابطه با مردم می‌انجامد؛ چنان‌که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند: «هر که رابطه خود با خدا را نیکو سازد، خداوند رابطه او را با مردم نیکو می‌سازد» [حکمت ۸۹ نهج البلاغه].

۲-۲-۲. فضایل اهل تقوا

روایات و کتب اخلاقی، فضایل اهل تقوا را به‌صورت کاربردی توصیف کرده‌اند: راست‌گویی، امانت‌داری، وفا به عهد، پراکندن نیکویی، خوش خلقی، حلم و صبر، عمل خالصانه، بهره‌گیری از

فرصت‌ها و پیروی از دانش [مشکاة الانوار، ص ۹۵؛ الخصال، ص ۴۸۳؛ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۲؛ غررالحکم، ج ۲، ص ۱۲۴؛ میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۶۳۴؛ فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۵۸۴]، این آموزه‌ها نشان می‌دهد که اخلاق حرفه‌ای قضائی در نظام اسلامی بر عدالت، تخصص و صفات روحی متقین استوار است و می‌تواند پایه‌ای برای رفتار حرفه‌ای قاضی در مواجهه با دعوی و مراجعان باشد.

۳. قوانین نظارتی و مبانی اخلاق اسلامی

نظام حقوقی و اداری جمهوری اسلامی ایران برای پاسداری از عدالت و سلامت ساختارها، تنها به قواعد و رویه‌های اداری بسنده نکرده است؛ بلکه با استناد به آموزه‌های قرآنی و روایی، اخلاق حرفه‌ای را در متن مقررات نهادینه ساخته است. اسناد بالادستی، از جمله بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان منشور راهبردی رهبر معظم انقلاب اسلامی و سند تحول و تعالی قضائی به عنوان نقشه راه نوین قوه قضائیه، همراه با قوانین نظارت بر رفتار قضات و رسیدگی به تخلفات اداری، چارچوب راهبردی تحقق عدالت را مشخص می‌کنند. این قوانین تجلی عملی اصولی چون عدالت، تقوا و کرامت انسانی‌اند و نشان می‌دهند که مقررات کشور فراتر از قواعد اداری، استمرار اخلاق اسلامی در دستگاه قضا محسوب می‌شوند و ضامن اعتماد عمومی و کارآمدی نظام عدالت هستند.

۳-۱. اخلاق حرفه‌ای و بیانیه گام دوم انقلاب^۱

بیانیه «گام دوم انقلاب» سه محور اساسی را برای آینده جمهوری اسلامی ترسیم می‌کند: خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی. این محورها با اخلاق حرفه‌ای در نظام قضائی پیوند مستقیم دارند:

۳-۱-۱. خودسازی

نخستین گام بیانیه، تربیت و تهذیب فردی است. اخلاق حرفه‌ای در دستگاه قضا دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود؛ قاضی و کارکنان قضائی باید خود را از آلودگی‌های اخلاقی، منفعت‌طلبی و فشارهای بیرونی مصون سازند تا عدالت را بی‌طرفانه اجرا کنند.

۱. بیانیه گام دوم انقلاب، منشور راهبردی رهبر معظم انقلاب اسلامی برای ورود جمهوری اسلامی ایران به دهه پنجم عمر خود و آغاز مرحله‌ای تازه از خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی است. این بیانیه در بهمن ۱۳۹۷ و به مناسبت چهل‌مین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی صادر شد.

۳-۱-۲. جامعه‌پردازی

مرحله دوم، ساختن جامعه‌ای بر پایه ارزش‌های اسلامی است. دستگاه قضائی با اجرای عدالت، مبارزه با فساد و تضمین حقوق مردم، ستون اصلی جامعه‌پردازی است. اخلاق حرفه‌ای تضمین می‌کند که این مأموریت بدون تبعیض و انحراف انجام گیرد.

۳-۱-۳. تمدن‌سازی

مرحله سوم، حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی است. تحقق این هدف بدون دستگاه قضائی مستقل، سالم و مقتدر ممکن نیست. اخلاق حرفه‌ای روح تحول قضائی است و می‌تواند قوه قضائیه را به نهادی تمدن‌ساز تبدیل کند که الگوی عدالت اسلامی را در سطح ملی و بین‌المللی عرضه نماید. بیانیه همچنین بر نقش نسل جوان تأکید دارد. تربیت قضات و حقوق‌دانان آینده با نهادینه‌سازی اخلاق حرفه‌ای، ضامن استمرار سلامت، استقلال و کارآمدی دستگاه قضائی خواهد بود و پیوند آموزه‌های دینی با تجربه عملی قضات را تقویت می‌کند.

۳-۲. اخلاق حرفه‌ای و تحول قضائی

۳-۲-۱. سند تحول و تعالی قضائی

سند تحول و تعالی قضائی به‌عنوان نقشه راه نوین قوه قضائیه، در پاسخ به مطالبه مقام معظم رهبری و نخبگان جامعه برای ارتقای کارآمدی دستگاه عدالت تدوین شده است.^۱ این سند بر شاخص‌های حکومت نبوی، اصول عدالت اسلامی، قانون اساسی، مأموریت قوه قضائیه، تحول سازمانی و استقلال دستگاه قضا تأکید دارد و اخلاق حرفه‌ای را محور تمامی این اهداف قرار می‌دهد.

مبانی دینی و اخلاقی

آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه سیره نبوی، بر عدالت، قانون‌گرایی، رعایت حرمت جایگاه قضاوت، بی‌طرفی، انصاف و توجه به ضعیفا تأکید دارد. شاخص‌هایی چون بی‌طرفی، انصاف، پرهیز از تبعیض و پاسداشت جایگاه قضاوت نه‌تنها پایه تحول قضائی، بلکه هسته اخلاق حرفه‌ای قاضی را تشکیل می‌دهد.

۱. این سند در اواخر سال ۱۳۹۷، شکل گرفت تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گذشته و دستاوردهای چهار دهه دادگستری مبتنی بر فقه و حقوق اسلامی، مسیر تازه‌ای متناسب با گام دوم انقلاب ترسیم کند. تدوین این سند، علاوه بر ایجاد گفتمان تحول در دستگاه قضائی، چارچوبی دقیق و راهگشا برای بازتعریف مأموریت‌های اصلی قوه قضائیه فراهم آورد. روند تکمیل آن در سال ۱۳۹۹ با مشارکت اساتید حوزه و دانشگاه و استفاده از ظرفیت نخبگان قضائی ادامه یافت و نسخه ارتقایافته سند تحول به‌عنوان مبنای عمل قوه قضائیه، پایان سال ۱۴۰۲ رسماً ابلاغ گردید.

قانون اساسی و مأموریت قوه قضائیه

اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه را «پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق عدالت» معرفی می‌کند. تحقق این اصل مستلزم پایبندی قضات به اخلاق حرفه‌ای است؛ زیرا بدون آن، تحول سازمانی به کارآمدی و اعتماد عمومی منجر نخواهد شد.

تحول سازمانی و اخلاق حرفه‌ای

تحول قضائی تنها با آیین‌نامه و بخشنامه محقق نمی‌شود؛ بلکه درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی در رفتار قضات و کارکنان شرط اصلی موفقیت است. اخلاق حرفه‌ای، قاضی را در برابر خدا و مردم مسئول می‌سازد و مانع مقاومت در برابر تغییرات ناشی از عادت‌ها یا منافع شخصی می‌شود.

هوشمندسازی و اخلاق حرفه‌ای

فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی می‌توانند سرعت و دقت در فرایند قضاوت را افزایش دهند؛ اما خطر بی‌روح شدن و فاصله گرفتن از وجدان انسانی وجود دارد. اخلاق حرفه‌ای تضمین می‌کند که فناوری در خدمت عدالت باشد و قاضی همچنان معیار نهایی انصاف و وجدان باقی بماند.

منابع انسانی و تربیت اخلاقی

تحقق تحول قضائی نیازمند سرمایه انسانی صالح، متخصص و متعهد است. اخلاق حرفه‌ای باید در برنامه‌های آموزشی و تربیتی نهادینه شود تا قاضی نه تنها به قانون آگاه باشد، بلکه امین، بصیر و مقاوم در برابر فشارها نیز باقی بماند.

استقلال و سلامت دستگاه قضا

استقلال، سلامت و اقتدار از شاخص‌های کلیدی تحول قضائی هستند و اخلاق حرفه‌ای تضمین‌کننده آن‌هاست. قاضی با پایبندی به اصول اخلاقی از تهدید، تطمیع و فشار سیاسی مصون می‌ماند. پرهیز از حب و بغض سیاسی و بی‌اعتنایی به جنجال رسانه‌ای بخشی از مسئولیت حرفه‌ای اوست که با اهداف تحول قضائی هم‌افزایی دارد.

استمرار و تداوم

اصلاحات قضائی بدون اخلاق حرفه‌ای پایدار نمی‌ماند. اخلاق حرفه‌ای حس مسئولیت دائمی ایجاد می‌کند و اطمینان می‌دهد که اقدامات اصلاحی پس از انگیزه اولیه متوقف نشوند. اخلاق حرفه‌ای روح تحول است و تحول سازمانی بستر تحقق اخلاق؛ ترکیب این دو، دستگاه قضائی را به نهادی کارآمد، مستقل، سالم و مورد اعتماد مردم تبدیل می‌کند.

بیانیه گام دوم انقلاب و سند تحول قضائی، اخلاق حرفه‌ای را فراتر از توصیه فردی، به‌عنوان مأموریت نهادی قوه قضائیه معرفی می‌کنند. بیانیه گام دوم با تأکید بر خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی نشان می‌دهد که اجرای عدالت بدون اخلاق حرفه‌ای از مسیر اصلی منحرف می‌شود. سند تحول قضائی نیز اخلاق حرفه‌ای را روح تحول سازمانی و ضامن اعتماد عمومی می‌داند و استقلال، سلامت و کارآمدی قوه قضائیه را مبتنی بر آن تعریف می‌کند.

۳-۳. قانون نظارت بر رفتار قضات

قانون نظارت بر رفتار قضات در تاریخ ۱۷ مهر ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در ۲۷ مهر همان سال به تأیید شورای نگهبان رسید. در بند ۶ ماده ۱۵ این قانون، یکی از مصادیق نقض اخلاق اسلامی، رفتار خارج از نزاکت هنگام انجام وظیفه یا به مناسبت آن؛ ازجمله بی‌احترامی، تندى یا رفتار تحقیرآمیز معرفی شده است.

این بند نشان می‌دهد که شأن قضاوت تنها به صدور حکم محدود نمی‌شود، بلکه در شیوه تعامل قاضی با مردم و اصحاب دعوی نیز نمود دارد. نزاکت و ادب در گفتار و رفتار بخشی از عدالت قضائی است و نادیده گرفتن آن می‌تواند اعتماد عمومی به دستگاه قضا را خدشه‌دار کند.

ازمنظر آموزه‌های اسلامی، رعایت اخلاق و ادب در تعامل با مردم بخشی از تحقق عدالت و تقوای عملی قاضی محسوب می‌شود. ازمنظر آموزه‌های اسلامی، این اصل ریشه‌ای روشن دارد:

۳-۳-۱. رعایت ادب و نزاکت

قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره/۸۳)؛ یعنی با مردم به نیکی سخن بگویید. این دستور عام در جایگاه قاضی اهمیت مضاعف دارد، زیرا او با سرنوشت و حقوق مردم سروکار دارد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز فرموده‌اند: «مَنْ ابْتُلِيَ بِالْقَضَاءِ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ فَلَا يَرْفَعُ صَوْتَهُ عَلَى أَحَدٍ الْخَصْمَيْنِ مَا لَمْ يَرْفَعْ عَلَى الْآخِرِ» (کنز العمال، ح ۱۵۰۳۳). این روایت بر رعایت ادب، آرامش و بی‌طرفی تأکید دارد و نشان می‌دهد که نزاکت در گفتار و رفتار شرط اعتماد عمومی و سلامت دستگاه عدالت است. بی‌احترامی یا تندى، حتی اگر جرم محسوب نشود، مصادق ترک اخلاق حسنه است و جایگاه قضاوت را تضعیف می‌کند.

۳-۳-۲. رفتار خلاف شأن قضائی:

قانون نظارت بر رفتار قضات، رفتار خلاف شأن قضائی را از مهم‌ترین مصادیق نقض اخلاق اسلامی می‌داند. شأن قضاوت تنها در صدور حکم خلاصه نمی‌شود، بلکه پاکی، عدالت و وقار

شخص قاضی نیز مؤثر است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء/۵۸). قضاوت امانتی الهی است و هرگونه جانبداری یا تصمیم براساس روابط شخصی، خیانت در این امانت محسوب می‌شود.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هشدار داده‌اند: «النَّاسُ مِنْ خَوْفِ الذُّلِّ مُتَعَجِّلُوا الذُّلَّ» (غررالحکم، ح ۲۱۷۲). این روایت نشان می‌دهد که ترس از دشواری نباید قاضی را به رفتار پست یا خلاف شأن وادارد. پوشیدن لباس قضاوت مسئولیتی اخلاقی فراتر از مسئولیت حقوقی ایجاد می‌کند و قاضی باید حرمت جایگاه خود را حفظ کرده و الگوی عدالت و شرافت باشد. آموزه‌های قرآنی و روایی نشان می‌دهند که قضاوت در اسلام رسالتی الهی و اخلاقی است و کوچک‌ترین لغزش، اعتماد عمومی را خدشه‌دار می‌کند.

۳-۳-۳. اصل عدالت و خودکنترلی (کف نفس)؛

یکی از اصول بنیادین اخلاق قضائی، عدالت و تسلط بر نفس است. قانون نظارت بر رفتار قضات هرگونه رفتار مغایر با عدالت یا ناشی از ضعف در کنترل نفس را تخلف می‌داند؛ زیرا قاضی باید از تمایلات شخصی، خشم، طمع یا هواهای نفسانی دور باشد تا حکم او مصداق عدالت الهی گردد.

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ» (نساء/۱۳۵)؛ یعنی عدالت را حتی در برابر منافع شخصی رعایت کنید و تحت تأثیر هوا و هوس قرار نگیرید. امام علی (علیه‌السلام) نیز در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک اشتر سفارش می‌کند: «اخْتَرُ لِلْقَضَاءِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ... لَا تَضَيِّقْ بِهِ الْأُمُورَ، وَلَا يَمْتَنِعْ مِنَ الطَّلَبِ فِي الْحَقِّ»؛ یعنی برای قضاوت، بهترین افراد دارای حلم، سعه‌صدر و تسلط بر نفس را برگزین.

عدالت و خودکنترلی ستون قضاوت اسلامی است. قاضی فاقد کف نفس در معرض لغزش و بی‌عدالتی قرار می‌گیرد و اعتماد عمومی آسیب می‌بیند. قانون نظارت بر رفتار قضات، صورت اجرایی این آموزه‌های قرآنی و علوی است و با الزام به رعایت عدالت و کف نفس، سلامت و وقار قضاوت را تضمین می‌کند.

۳-۴. قانون رسیدگی به تخلفات اداری

قانون رسیدگی به تخلفات اداری در تاریخ ۷ آذر ۱۳۷۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در ۱۷ آذر همان سال به تأیید شورای نگهبان رسید. ماده ۸ این قانون، مجموعه‌ای از رفتارها و اعمال مغایر با شأن اداری را به‌عنوان تخلف مهم معرفی می‌کند. این مقررات نشان می‌دهد که اخلاق حرفه‌ای

و اسلامی، نه تنها در دستگاه قضا بلکه در کل نظام اداری کشور، شرط اعتماد عمومی و سلامت سازمانی است.

۳-۴-۱. اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری؛

ماده ۸ این قانون، هرگونه گفتار یا رفتاری که با وقار، متانت و شأن کارمند ناسازگار بوده و به اعتبار سازمان یا اعتماد عمومی آسیب رساند را تخلف می‌داند. قرآن کریم می‌فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (اسراء/۵۳)؛ یعنی بندگان خدا باید در گفتار و رفتار بهترین شیوه را برگزینند. امام صادق (علیه السلام) نیز فرموده‌اند: «كونوا دعاة للناس بغير ألسنتكم» (تحف العقول، ص ۴۵۶)؛ یعنی با رفتار و منش خود مردم را به دین دعوت کنید. بنابراین، ادب، وقار و حسن خلق کارمند، نه تنها تخلف اداری محسوب می‌شود، بلکه از منظر قرآن و سنت، نقض اخلاق اسلامی و خروج از شأن خدمت عمومی است. رعایت ادب و وقار اساس اخلاق اداری و ضامن اعتماد اجتماعی به دستگاه قضائی است.

۳-۴-۲. ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا تأخیر در انجام امور

ماده ۸ این قانون، ایجاد نارضایتی یا تأخیر در انجام امور قانونی مردم را تخلف اداری معرفی می‌کند؛ زیرا این رفتار نقض آشکار «حق الناس» و بی‌توجهی به وظیفه خدمت عمومی است. کارمند دولت موظف است امور مردم را با سرعت، دقت و عدالت انجام دهد و هرگونه تأخیر یا کوتاهی، ظلم اداری و سبب کاهش اعتماد اجتماعی خواهد بود.

آیات و روایات اسلامی نیز بر این اصل تأکید دارند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ» (كشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۲۳). بنابراین، رعایت عدالت و خدمت صادقانه نه تنها الزامی قانونی، بلکه تکلیفی دینی است. ایجاد نارضایتی یا تأخیر، مصداق ظلم و ترک احسان محسوب می‌شود. کارمند باید خدمت به مردم را عبادت بداند و با سرعت و دقت رضایت آنان را جلب کند؛ زیرا اعتماد عمومی به نظام اداری در گروی رعایت عدالت و خدمت صادقانه است.

۳-۴-۳. ایراد تهمت و افترا یا هتک حیثیت

یکی دیگر از تخلفات مهم اداری که در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری ذکر شده، ایراد تهمت، افترا یا هتک حیثیت است. این رفتار نقض کرامت انسانی و خروج از اخلاق اسلامی محسوب می‌شود و آثار اجتماعی و اخلاقی سنگینی بر جای می‌گذارد. کارمند دولت موظف است زبان و رفتار خود را در مسیر خدمت و احترام به مردم به کار گیرد.

از منظر دینی، قرآن کریم می‌فرماید: «و از یکدیگر غیبت ننمایید، آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد؟ بی‌تردید [از این کار] نفرت دارید»^۱ (حجرات/۱۲). پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) نیز فرمودند: «هر که به مرد یا زن مؤمنی تهمت زند، یا درباره او چیزی بگوید که در شأن او نیست، خداوند او را در منجلا ب فساد ساکن خواهد کرد»^۲ (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۴). بنابراین، تهمت و هتک حیثیت در محیط اداری، هم تخلف قانونی و هم نقض اخلاق اسلامی است. زبان کارمند باید ابزار خدمت و تکریم مردم باشد، نه وسیله تحقیر و تخریب.

۳-۴- رعایت نکردن شئون و شعائر اسلامی

رعایت شئون و شعائر اسلامی آخرین بند ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری است و به هویت فرهنگی و دینی محیط کار اشاره دارد. هرگونه بی‌توجهی به نماز، حجاب، آداب اسلامی یا رفتارهای ناسازگار با شأن اداره اسلامی، علاوه بر تخلف قانونی، نقض تقوا و بی‌احترامی به باورهای عمومی تلقی می‌شود.

از منظر دینی، قرآن کریم می‌فرماید: «ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج/۳۲). همچنین امام صادق (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنِكُمْ، لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ» (تحف‌العقول، ص ۴۵۶). این آموزه‌ها نشان می‌دهند که رعایت شعائر اسلامی جلوه‌ای از ایمان و تقواست و اساس اعتماد عمومی و مشروعیت فرهنگی محیط اداری محسوب می‌شود.

بررسی قوانین «نظارت بر رفتار قضات» و «رسیدگی به تخلفات اداری» نشان می‌دهد که این مقررات در حقیقت تلاشی برای نهادینه‌سازی اخلاق اسلامی در ساختارهای قضائی و اداری کشور هستند. با تمرکز بر نزاکت، شأن قضائی، عدالت، پرهیز از کم‌کاری و رعایت شعائر اسلامی، این قوانین بازتاب آموزه‌های قرآن و سنت‌اند و هدفشان پیوند میان قانون و اخلاق اسلامی برای تضمین عدالت و اعتماد عمومی است. آموزه‌های دینی، به دلیل تأکید بر نیت و تهذیب نفس، بنیادی‌ترین منبع تحقق ارزش‌های اخلاقی در عمل مؤمنانه محسوب می‌شوند.

۴. تجربه زیسته و کاربرست اخلاق حرفه‌ای در قضاوت

اخلاق حرفه‌ای در نظام قضائی زمانی معنا و کارآمدی واقعی می‌یابد که از سطح نظری، آموزشی و قانونی فراتر رفته و در میدان عمل و تجربه زیسته قضات متجلی شود. آموزه‌های دینی و مقررات حقوقی

۱. «وَلَا يَغْتَابُ بَعْضُكُم بَعْضًا، أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ».

۲. «مَنْ بَهَتْ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَسْكَنَهُ اللَّهُ رِذْعَةَ الْخَبَالِ».

چارچوب‌های هنجاری رفتار قضائی را ترسیم می‌کنند؛ اما تحقق عدالت و اعتماد عمومی وابسته به نحوه زیست حرفه‌ای قضائی است که این اصول را در موقعیت‌های واقعی دادرسی به کار می‌بندند. تجربه چند دهه فعالیت مستمر قضائی در سطوح مختلف نشان می‌دهد که اخلاق حرفه‌ای صرفاً مجموعه‌ای از توصیه‌های آرمانی نیست، بلکه ابزاری عملی برای مواجهه با فشارهای ساختاری، تعارض منافع، نفوذهای بیرونی و ضعف‌های نهادی به شمار می‌آید. پابندی مستمر به اخلاق، قاضی را در برابر لغزش‌ها مصون می‌سازد و استقلال و سلامت رأی قضائی را تضمین می‌کند. این فصل با رویکردی تحلیلی نشان می‌دهد که چگونه آموزه‌های اخلاقی و دینی در تجربه عملی قضات به راهبردهای رفتاری و مدیریتی مؤثر تبدیل می‌شوند و چه نقشی در ارتقای کارآمدی و اعتمادپذیری دستگاه قضا دارند.

۴-۱. نمونه‌های تجربی

در فرایند جذب و گزینش نیروی انسانی در قوه قضائیه، معیارهای علمی، اعتقادی و اخلاقی به‌عنوان شاخص‌های اصلی مدنظر قرار می‌گیرد. باین‌حال، تجربه عملی نشان می‌دهد که سطح خودسازی، مراقبت اخلاقی و پایداری معنوی در میان قضات و کارکنان یکسان نیست. برخی با استمرار در تهذیب نفس مسیر سلامت حرفه‌ای را حفظ می‌کنند، در حالی که برخی دیگر به‌تدریج دچار غفلت اخلاقی یا سستی رفتاری می‌شوند؛ امری که آثار آن در کیفیت تصمیم‌گیری و تعامل حرفه‌ای آشکار می‌گردد.

۴-۱-۱. تعهد به فرائض دینی

یکی از شاخص‌های عینی در این زمینه، پابندی به فرائض دینی در محیط کار است. در شرایطی که ساعات کاری طولانی امکان انجام برخی عبادات را خارج از محل خدمت محدود می‌سازد، اهتمام به انجام واجبات در محل کار نشانه‌ای از تعهد اخلاقی و انضباط درونی تلقی می‌شود. این امر به‌هیچ‌وجه به معنای تجسس در امور شخصی افراد نیست، بلکه ازمنظر تجربه زیسته، قرینه‌ای رفتاری بر میزان مراقبت اخلاقی فرد به شمار می‌آید.

مشاهدات تجربی نشان می‌دهد که سستی در این حوزه گاه با پیامدهای حرفه‌ای ناخواسته همراه بوده است. فردی که به تدریج نسبت به الزامات اخلاقی و معنوی بی‌تفاوت می‌شود، ممکن است در معرض نفوذ، طمع یا فشار برخی مراجعان سودجو قرار گیرد. اگرچه این وضعیت در کوتاه‌مدت پنهان می‌ماند یا با توجیه‌های شخصی همراه می‌شود، اما در بلندمدت سلامت حرفه‌ای و استقلال رأی قاضی را تهدید می‌کند.

یک تجربه سازمانی قابل تأمل، صدور بخشنامه‌ای مبنی بر محدودسازی اقامه نماز در محل کار بود که با واکنش منفی گسترده قضات و کارکنان مواجه شد و در نهایت با ورود مرجع عالی لغو گردید. این واقعه نشان داد که بی‌توجهی به مناسبات دینی در سازمان قضائی نه تنها آثار فرهنگی، بلکه پیامدهای جدی مدیریتی و اعتمادساز دارد.

از دیگر عرصه‌های حساس اخلاق حرفه‌ای در تجربه قضائی، رعایت حدود شرعی و اخلاقی در تعامل با متهمان و اصحاب دعواست. در فرایند تحقیق و دادرسی، مشاهده مستقیم رفتار و گفتار متهم در حد ضرورت بخشی از وظایف حرفه‌ای قاضی تلقی می‌شود؛ اما تجربه نشان می‌دهد که بی‌توجهی به اصل «ضرورت» و کنترل نگاه می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های اخلاقی و روانی شود. از این رو، خودکنترلی، رعایت حد ضرورت و حفظ کرامت انسانی طرفین دعوا از مؤلفه‌های مهم اخلاق حرفه‌ای در عمل قضائی به شمار می‌آیند و نقش تعیین‌کننده‌ای در سلامت فردی قاضی و اعتبار نهاد قضاوت دارند.

۴-۱-۲. آفت انتظار احترام و خودبرتری در نظام قضائی؛

یکی از آسیب‌های جدی در اخلاق حرفه‌ای قضائی، شکل‌گیری انتظار افراطی احترام و تعظیم از سوی برخی قضات و کارکنان است. این آسیب معمولاً زمانی بروز می‌یابد که مراقبت اخلاقی و خودسازی معنوی به صورت مستمر دنبال نشود. در چنین شرایطی، منصب قضا به تدریج از «جایگاه خدمت» به «موقعیت برتری شخصی» تبدیل می‌شود و همین جابه‌جایی معنایی، زمینه‌ساز رفتارهای نادرست حرفه‌ای خواهد شد. تجربه‌های عملی در محیط‌های قضائی نشان می‌دهد که این انتظار ناموجه، هم در تعامل با وکلا و هم در مواجهه با مراجعان، به اشکال مختلف بروز می‌کند:

- در یکی از شعب، وکیلی خطاب به قاضی از لفظ «تو» استفاده کرد. قاضی این رفتار را توهین‌آمیز تلقی نمود و دستور تعقیب کیفری وکیل را صادر کرد. این واکنش نشان‌دهنده حساسیت افراطی نسبت به تشریفات ظاهری جایگاه قضاست؛ حساسیتی که با روح سعه صدر و فروتنی قاضی متقی همخوانی ندارد.
- در جلسه‌ای دیگر، وکیلی پای خود را روی پای دیگر انداخت. قاضی با فریاد او را به بی‌احترامی متهم کرد. این رفتار آمرانه و خشم‌آلود، نشانه ضعف در کنترل هیجانات و ناتوانی در تفکیک اقتدار قضائی از واکنش شخصی بود.
- در مواردی مشاهده شده است که برخی قضات یا کارکنان، از مراجعان انتظار تواضع غیرمتعارف دارند و در صورت عدم تحقق این انتظار، روند رسیدگی یا امور اداری با تأخیر

مواجه می‌شود. این رفتار نشان‌دهنده آمیختگی جایگاه قانونی با موقعیت شخصی و تبدیل قدرت اداری به ابزار سلطه است.

- رئیس وقت دادگستری یکی از کلان‌شهرها هنگام خرید شیرینی، پس از مخالفت فروشنده با درخواست خدمات خارج از نوبت، سمت قضائی خود را معرفی کرد و در واکنش به پاسخ فروشنده، اقدام به تیراندازی هوایی نمود. این واقعه نمونه‌ای حاد از فروپاشی مهار اخلاقی و اختلال در ادراک جایگاه قدرت بود.

- دادستان یکی از شهرها مأمور انتظامی را به دلیل عدم ادای سلام نظامی مورد ضرب و شتم قرار داد و برای او پرونده تشکیل داد. این رفتار مصداق آشکار سوءاستفاده از موقعیت قضائی و انتظار ناموجه احترام است.

- در برخی موارد، کارکنان قضائی با نصب تجهیزات غیرمجاز مانند آژیر بر خودرو، از مسیرهای ممنوع عبور کرده و در صورت تذکر مأموران راهور، واکنش تند نشان داده یا گزارش خلاف واقع تنظیم کرده‌اند. این رفتارها نمونه بارز بهره‌برداری شخصی از اقتدار سازمانی است.

تحلیل اخلاقی و درس‌آموخته‌ها؛ مجموع این تجربه‌ها نشان می‌دهد که خطر اصلی، نه فقدان اقتدار، بلکه بدفهمی اقتدار است. حفظ احترام در جایگاه قضا تنها با انصاف، متانت، ادب و عدالت رفتاری امکان‌پذیر است و استفاده از فریاد، تهدید یا اعمال قدرت شخصی آن را تضعیف می‌کند. تجربه زیسته قضائی به روشنی نشان می‌دهد که هر جا تواضع با اقتدار همراه شده، شأن قاضی و اعتماد عمومی ارتقا یافته است؛ و هر جا خودبرتربینی جایگزین اخلاق شده، نه تنها فرد بلکه اعتبار کل دستگاه قضائی آسیب دیده است. از این رو، مراقبت اخلاقی مستمر، خودشناسی و آموزش مهارت‌های کنترل قدرت و هیجانات باید به عنوان رکن اساسی تربیت قضات مورد توجه قرار گیرد.

۴-۱-۳. حفظ شأن حرفه‌ای و پرهیز از رفتارهای خلاف منزلت قضائی

انتظار احترام فراتر از حدود وظیفه و چارچوب کاری، هرچند ممکن است در ظاهر ناشی از حساسیت نسبت به جایگاه قضائی تلقی شود، در عمل با اصول عدالت، تواضع و اخلاق حرفه‌ای قضائی ناسازگار است. قاضی و کارکنان دستگاه قضائی در زندگی اجتماعی همانند سایر شهروندان تابع قوانین عمومی اند و هیچ امتیاز رفتاری یا نظارتی ویژه‌ای در عرصه‌های خارج از محیط کار ندارند. پایبندی عملی به قانون و پرهیز از امتیازخواهی، شرط اساسی حفظ شأن قضا به شمار می‌آید.

در مشاهدات میدانی، موردی دیده شده است که یکی از قضات در فرودگاه هنگام انجام بازرسی، با ارائه کارت شناسایی قضائی از مأموران درخواست کرد که از بازرسی وی صرف نظر شود. این رفتار،

هرچند بدون قصد سوء انجام شده باشد، از منظر اخلاق حرفه‌ای دور از شأن قاضی دستگاه عادلانه است؛ منزلت واقعی قاضی در پابندی به قانون و نظم عمومی تحقق می‌یابد و با استثناء طلبی از میان می‌رود. رفتارهای خلاف شأن قضائی و اداری محدود به فضای اداری نیست، بلکه در تمام عرصه‌های زندگی قاضی و کارکنان قضائی جریان دارد. تجربه عملی نشان می‌دهد که بی‌توجهی به این مرزها به تدریج اعتماد عمومی و استقلال معنوی قاضی را تضعیف می‌کند.

الف) فعالیت‌های اقتصادی خارج از چارچوب شأن قضائی

اشتغال کارکنان قوه قضائیه - حتی خارج از وقت اداری - در مشاغل مانند فروش البسه زنانه، بنگاه معاملات ملکی یا اداره کافی‌شاپ با منزلت و اخلاق حرفه‌ای قضائی سازگار نیست. همچنین تبدیل بنگاه‌های معاملات ملکی به محل رفت و آمد قضات، از مصادیق روشن اختلاط جایگاه قضا با فعالیت‌های اقتصادی است. این قبیل رفتارها، هرچند ممکن است از نظر قانونی جرم محسوب نشوند، اما به طور جدی اعتماد عمومی و استقلال قضائی را تضعیف می‌کنند.

ب) سوءاستفاده از امکانات اداری برای منافع شخصی

یکی از کارکنان اداری در وقت اداری و با استفاده از تلفن و امکانات اداره به خرید و فروش املاک مشغول بوده است؛ در حالی که اگر برای این فعالیت محل مستقلی اجاره می‌کرد، باید هزینه قابل توجهی می‌پرداخت. این رفتار، مصداق روشن استفاده غیرمجاز از بیت‌المال است و پیامدهایی چون کم‌کاری، کاهش تمرکز، تضییع وقت اداری و تقویت روحیه حرص و طمع اقتصادی را به دنبال دارد.

پ) جمع‌آوری وجوه و فعالیت‌های خیریه

در محیط قضائی، هرچند نیت کمک به نیازمندان یا جمع‌آوری خمس و صدقات اقدامی پسندیده است، انجام آن در محل کار قضائی شایسته نیست. چنین اقداماتی می‌تواند زمینه سوءبرداشت و طمع افراد سودجو را فراهم کند؛ به‌ویژه آنکه برخی افراد ممکن است نه از سر اعتقاد، بلکه برای جلب نظر یا ایجاد ارتباط با کارکنان قضائی اقدام به پرداخت وجه نمایند.

حکایتی از حکما نقل شده که قاضی‌ای پس از دریافت هدیه از یکی از اصحاب دعوا - با وجود آنکه هدیه را نپذیرفت - متوجه شد در دلش نوعی تمایل و محبت نسبت به آن فرد ایجاد شده است. وی بلافاصله استعفا داد و گفت: «دیگر نمی‌توانم قضاوت بی‌طرفانه انجام دهم». این رفتار نمونه‌ای کم‌نظیر از حساسیت اخلاقی و درک عمیق خطر نفوذ تدریجی در قضاوت است.

ت) پذیرش هدیه از مراجعان یا افراد مرتبط:

در تجربه‌های عملی مشاهده شده است که برخی مراجعان با شناسایی علایق شخصی قاضی یا کارکنان، به بهانه بازگشت از سفر حج یا زیارت ائمه اطهار (ع) هدایایی سنگین تقدیم می‌کنند. در

ظاهر ممکن است این افراد پرونده‌ای نداشته باشند، اما هدف اصلی غالباً ایجاد رابطه و ذخیره‌سازی نفوذ برای آینده است. حتی پیش از تشکیل پرونده، برخی افراد اقدام به ایجاد ارتباط مالی یا دوستانه می‌کنند تا در صورت بروز اختلاف، از این ارتباط بهره‌برداری نمایند.

این‌گونه تعاملات، حتی اگر با نیت ظاهراً خیر انجام شود، از منظر اخلاق قضائی به شدت آسیب‌زا است؛ زیرا مرز بی‌طرفی حرفه‌ای و اعتماد عمومی را مخدوش می‌سازد. مسئولیت قضائی صرفاً اجرای قانون نیست، بلکه پاسداری از سلامت نفس و صیانت از جایگاه قضا در برابر تمامی منافذ نفوذ است.

این پاسداری باید به‌طور هم‌زمان در سه جبهه سلامت مالی، تعاملات شخصی و موقعیت‌یابی اجتماعی انجام شود. تجربه نشان داده است که پذیرش حتی وجوه اندک تحت عنوان «هدیه»، «عیدی» یا «کمک»، آغاز فرسایش اخلاقی است. پرداخت‌های ظاهراً مساوی و کلاً به برخی کارکنان، حتی اگر توسط بعضی مدیران «بلاشکال» تلقی شود، در واقع مبتنی بر نابرابری قدرت مالی است و نتایج آن به‌صورت جابه‌جایی غیرقانونی وقت رسیدگی، مفقودشدن اوراق پرونده یا نادیده‌گرفتن حقوق طرف مقابل بروز می‌کند.

نتیجه و درس آموخته‌ها؛ جایگاه قضائی ذاتاً واجد منزلت اجتماعی است؛ اما این منزلت تنها با تواضع، ساده‌زیستی و رعایت شأن حرفه‌ای در خلوت و جلوت حفظ می‌شود. امتیازخواهی، بهره‌برداری شخصی از موقعیت قضائی یا انتظار احترام در خارج از محیط کاری، در تعارض مستقیم با روح عدالت قرار دارد. تجربه زیسته قضائی نشان می‌دهد که لغزش‌های کوچک در این حوزه، زمینه‌ساز انحراف‌های بزرگ‌تر است.

ازاین‌رو، تقویت آموزش‌های مستمر در حوزه خودنظارتی اخلاقی، ارائه الگوی رفتاری قضات در جامعه و تبیین دقیق مرزهای تعامل با مراجعان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای حفظ سلامت معنوی و اجتماعی دستگاه قضا به شمار می‌آید.

۴-۱-۴. مقابله با فریب و توطئه

یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر در تجربه قضائی، مواجهه با فریب‌ها و توطئه‌هایی است که گاه با طراحی حساب‌شده و در پوششی فریبنده رخ می‌دهند. جایگاه حساس قاضی، او را همواره در معرض چنین دام‌هایی قرار می‌دهد و غفلت از این واقعیت می‌تواند به آسیب‌های جدی حرفه‌ای و حیثیتی بینجامد.

در یک تجربه عینی، فردی با تظاهر به تسلیم، تواضع و اظهار ارادت نسبت به قاضی، در حالی که از پیش با حفاظت اطلاعات هماهنگی کرده بود، شرایطی را ایجاد کرد که درنهایت به دستگیری و

خداشه دارشدن آبروی قاضی انجامید. این نمونه نشان می‌دهد که تهدیدها الزاماً از مسیر تخلف آشکار وارد نمی‌شوند؛ بلکه گاه در قالب احترام، تملق یا اظهار انقیاد ظاهر می‌گردند.

درس اخلاقی این تجربه آن است که قاضی باید با مراقبت مستمر، تقوا و هوشیاری کامل، به‌ویژه در حوزه تعاملات مالی و ارتباطات اجتماعی، خود را از افتادن در دام چنین سناریوهایی مصون بدارد. سلامت حرفه‌ای بیش از هر چیز نیازمند پیشگیری اخلاقی است، نه واکنش پسینی.

۴-۱-۵. جایگاه رفیع قضاوت و الزامات ناشی از آن

قضاوت در منطق دینی جایگاهی رفیع دارد؛ به‌گونه‌ای که با مجتهدان مسلم مقایسه می‌شود و در افق ارزشی، با سیره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) سنجیده می‌گردد. این جایگاه صرفاً مقام مادی نیست، بلکه بار سنگین مسئولیت را بر دوش قاضی می‌گذارد.

نخستین مسئولیت، امین بودن است؛ یعنی حفظ امانت قضاوت و التزام به بی‌طرفی مطلق، حتی در شرایط فشار، تهدید یا وسوسه. دومین مسئولیت، نمایندگی نظام اسلامی است؛ قاضی در رفتار، گفتار و تصمیمات خود، نماینده جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و هر لغزش فردی، به حساب کل نظام نوشته می‌شود.

افزون براین، قاضی در برابر مردم - که در تعبیر روایی «عیال‌الله» معرفی شده‌اند - مسئول است. مردم، به‌ویژه مستضعفان، ناچار و نیازمند به دستگاه قضا مراجعه می‌کنند و احیای حقوق آنان وظیفه‌ای شرعی و حیاتی است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «مردم، عیال و نانخور من هستند؛ محبوب‌ترین افراد نزد من، مهربان‌ترین آنان به مردم و کوشاترین‌شان در رفع نیازهای ایشان است» (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۹).

براین اساس، قاضی هرگز نباید به مردم به چشم طعمه، فرصت یا ابزار نگاه کند. دفع وسوسه‌های شیطانی در این میدان دشوار، جز با توکل کامل بر خداوند و توسل مستمر به اهل بیت (علیهم السلام) میسر نیست.

۴-۱-۶. اطاعت از مافوق و مسئولیت گزارش‌دهی در ساختار قضائی:

اطاعت از مافوق در نظام قضائی امری لازم و مورد تأکید است؛ اما این اطاعت، اطاعتی مشروط است. مشروعیت اطاعت تنها تا جایی است که دستور صادره با قانون و شرع سازگار باشد. هرگونه درخواست یا دستور مشکوک، خلاف قانون یا مغایر با موازین شرعی، باید بی‌درنگ گزارش شود.

تجربه‌های عملی نشان داده‌اند که سکوت در برابر چنین دستورات یا عدم گزارش‌دهی، فرد را به تدریج در معرض تبدیل شدن به شریک جرم قرار می‌دهد و مسیر تعقیب قضائی را هموار می‌سازد.

بنابراین، مسئولیت اخلاقی قاضی صرفاً در انجام دستور خلاصه نمی‌شود، بلکه در صیانت از حق و قانون است؛ حتی اگر این صیانت هزینه‌مند باشد.

۴-۱-۷. حفظ حریم و پرهیز از خلوت با نامحرم

همان‌گونه که مراقبت از سلامت مالی ضروری است، مراقبت از سلامت تعاملات شخصی نیز اهمیتی بنیادین دارد. قاضی معصوم نیست و تجربه نشان می‌دهد که بسیاری از مفاسد نه در جمع، بلکه در خلوت‌ها شکل می‌گیرند؛ خلوت‌هایی که با نامحرمان یا اصحاب دعوا پدید می‌آید. از سیره نبوی آموخته‌ایم که: «هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نمی‌کند مگر آنکه سومی آن دو، شیطان است» (نهج‌الفصاحه، ح ۴۷۸). بر همین اساس، قاضی باید تدابیر سخت‌گیرانه‌ای اتخاذ کند تا شعبه یا محل کار، به‌صورت خلوت با هیچ زن نامحرمی - اعم از کارمند یا ارباب‌رجوع - در نیاید. همچنین باید از شوخی‌ها و رفتارهایی که امام باقر (علیه‌السلام) آن را نکوهش کرده‌اند پرهیز کند (بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۷)؛ چراکه همین رفتارهای به‌ظاهر ساده، راه نفوذ و سوسه شیطان را می‌گشاید.

۴-۱-۸. احتیاط کلامی و مقابله با توطئه‌های پنهان

در تجربه‌های معاصر، عرصه صیانت از شأن قضائی وارد مرحله‌ای جدید شده است: حفاظت از کلام. امروز بسیاری از مراجعان به ابزارهای ضبط صوت و تصویر مجهز هستند و حتی سخنان درست یا جملات بی‌ارتباط با پرونده، می‌تواند با برش، مونتاژ و انتشار گزینشی علیه قاضی یا کارکنان استفاده شود. از این رو، احتیاط کلامی به یک ضرورت مطلق بدل شده است. قاضی باید گفتار خود را به آنچه مستقیماً به پرونده مربوط است محدود کند و هرگز مسائل شخصی، گلایه‌ها یا مشکلات خود را با مراجعان در میان نگذارد. این احتیاط، مصداقی از اصل کلان «پرهیز از مواضع تهمت» است. اسلام، همان‌گونه که از تهمت‌زدن نهی کرده، مؤمن را از قراردادن خود در معرض تهمت نیز برحذر داشته است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: «از مواضع تهمت بپرهیزید». امام صادق (علیه‌السلام) نیز هشدار می‌دهند: «کسی که به موضع تهمت وارد شود و متهم گردد، جز خود را ملامت نکند» (وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۶؛ امالی صدوق، ص ۴۹۷).

براین اساس، قاضی باید از هرگونه معامله، خرید و فروش، ردوبدل کردن چک یا وجه با ارباب‌رجوع - حتی با نیت ظاهراً سالم - در محیط کار پرهیز کند. اگر ضرورت اقتضا کند که گفت‌وگویی خارج از اداره با مراجعان انجام شود، باید همه جوانب احتیاط رعایت شده و نتیجه گفت‌وگو فوراً به مسئولان یا ناظران ذی‌ربط گزارش گردد تا هیچ زمینه‌ای برای سوءظن باقی نماند.

سلامت اخلاقی قاضی، یک انتخاب شخصی یا توصیه اخلاقی صرف نیست، بلکه تلاشی دائمی برای حفظ تقوای مالی، شرعی و موقعیتی است. تجربه زیسته قضائی نشان می‌دهد که شأن عدالت تنها زمانی خدشه‌ناپذیر باقی می‌ماند که قاضی، پیش از آنکه دیگران او را مراقبت کنند، خود را به شدیدترین شکل مراقبت نماید.

۴-۱-۹. مسئولیت نمایندگی و اجرای عدالت؛

قاضی در نظام اسلامی، صرفاً مأمور اجرای قانون نیست، بلکه در جایگاه نماینده جمهوری اسلامی و امین مردم قرار دارد. این جایگاه، او را مکلف می‌سازد که حقوق مردم - که در تعبیر روایی «عیال‌الله» خوانده شده‌اند - را احیا کند و در تمامی تصمیمات و رفتارهای خود، مصالح آنان را بر هر منفعت شخصی مقدم بدارد. نگاه ابراری یا طعمه‌محور به مردم، بزرگ‌ترین آفت اخلاق قضائی است و قاضی را از مسیر عدالت خارج می‌سازد.

تجربه قضائی نشان می‌دهد که وسوسه‌های قدرت، نفوذ و منفعت، همواره در کمین صاحبان منصب قرار دارد و دفع این وسوسه‌ها تنها با توکل حقیقی به خداوند و توسل مستمر به اهل بیت (علیهم‌السلام) امکان‌پذیر است. در همین چارچوب، اطاعت از مافوق نیز ماهیتی مشروط دارد؛ اطاعتی که تنها در صورت انطباق کامل دستور با قانون و شرع معتبر است. هرگونه درخواست یا دستور مشکوک باید بی‌درنگ گزارش شود؛ زیرا سکوت یا همراهی، قاضی یا کارمند را به تدریج در جایگاه شریک جرم قرار می‌دهد و مسئولیت کیفری و اخلاقی سنگینی به دنبال دارد.

۴-۱-۱۰. چالش بزرگ اجرای احکام

یکی از آسیب‌پذیرترین حلقه‌های عدالت قضائی، مرحله اجرای احکام است. تجربه عملی نشان می‌دهد که عدم اجرای به موقع حکم، مفقودشدن پرونده‌ها یا بهانه‌جویی‌های مکرر به نفع ذی‌نفع، می‌تواند حاصل ماه‌ها و گاه سال‌ها تلاش قضات متعهد را بی‌اثر سازد و اعتماد عمومی به دستگاه عدالت را به شدت مخدوش کند.

در چنین شرایطی، مسئولیت اخلاقی کارکنان و قضات متعهد دوچندان می‌شود. هرگونه اطلاع از تعلل، انحراف یا سوء جریان در فرایند اجرا باید فوراً گزارش گردد تا عدالت، نه تنها در مرحله صدور رأی، بلکه در مرحله تحقق عینی آن نیز محقق شود. عدالت اجرا نشده، در نگاه مردم، تفاوتی با بی‌عدالتی ندارد.

۴-۱-۱۱. امر به معروف و نهی از منکر

- اصل امر به معروف و گزارش دهی تخلفات : در سطح سازمانی، این اصل به صورت گزارش دهی تخلفات تجلی می‌یابد. هرگاه قاضی یا کارمند، تخلف یا جرم همکار خود را

مشاهده کند، وظیفه اخلاقی و اداری دارد که آن را به مقامات ذی‌ربط گزارش نماید. سکوت در برابر تخلف، به معنای مشارکت غیرمستقیم در پیامدهای آن است. تجربه نشان داده است که بسیاری از مفاسد سازمانی، نه از جسارت متخلف، بلکه از سکوت اطرافیان او تغذیه می‌شود.

- **عظمت امر به معروف و نهی از منکر:** در منطق دینی، این فریضه ستون سلامت فرد و جامعه است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) جایگاهی چنان بلند برای آن قائل‌اند که همه اعمال نیک، حتی جهاد در راه خدا، در برابر آن «چون آب دهان در برابر دریای پهن‌اور» شمرده می‌شود (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴). رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز عاملان حقیقی این فریضه را بهترین مردم معرفی کرده‌اند؛ کسانی که هم از علم دینی و تقوای بیشتری برخوردارند، هم خود به حدود الهی پایبندند و هم دیگران را به معروف دعوت و از منکر باز می‌دارند (نهج الفصاحه، ص ۴۶۸). امام علی (علیه السلام) نیز سلامت فردی و اجتماعی را منوط به دو سویه بودن این فریضه می‌دانند؛ یعنی هم امر و هم پذیرش، و هم نهی و هم خودداری از منکر (غیرالحکم، ص ۳۳۲).

- **امر به معروف و نهی از منکر در ساحت قضاوت:** قضاوت ذاتاً در بستر امر به معروف و نهی از منکر تعریف می‌شود؛ زیرا فصل خصومت براساس حق و عدل، عالی‌ترین مصداق «معروف» است. از این رو، بی‌اعتنایی قاضی به منکر در حوزه نظارت او - حتی اگر مستقیماً موضوع پرونده نباشد - با روح قضاوت اسلامی سازگار نیست. باین حال، تجربه قضائی نشان می‌دهد که اجرای این فریضه در دادگاه نیازمند ظرافت، حکمت و بی‌طرفی کامل است. نمونه‌ای روشن، اقدام قاضی در یک محکمه حقوقی است که در برابر ارتکاب منکری خارج از موضوع پرونده، به جای واکنش علنی یا برخورد احساسی، تذکری محرمانه و مکتوب تهیه کرد و به فرد خاطی ارائه داد. این روش، ضمن حفظ شأن دادگاه و بی‌طرفی دادرسی، اثری تربیتی و اصلاحی برجای گذاشت. بنابراین، قاضی موظف است میان تذکر اخلاقی و حفظ جایگاه بی‌طرف خود تعادل برقرار کند.

۴-۱-۱۲. سلامت اخلاقی قاضی و نقش آن در تحقق عدالت

سلامت اخلاقی قاضی، فرایندی مقطعی یا صرفاً فردی نیست، بلکه تلاشی مستمر برای حفظ تقوای مالی، شرعی و موقعیتی است تا شأن عدالت خدشه‌دار نشود. این سلامت، فراتر از رفتار فردی، شامل روابط اجتماعی، دوستی‌ها و مراودات خانوادگی قاضی نیز می‌شود؛ زیرا مردم، قاضی را نه تنها از طریق آرای صادره، بلکه از طریق ارتباطات و سبک زندگی او قضاوت می‌کنند.

قرآن کریم مؤمنان را از دوستی با کافران و منافقان برحذر داشته است (آل عمران/ ۲۸) و در روایات آمده است که انسان بر «دین دوست خود» خواهد بود (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۲). این آموزه‌ها ایجاب می‌کند که قضات و کارکنان قضائی در انتخاب دوستان و معاشران خود نهایت دقت را داشته باشند؛ زیرا تصویر ذهنی جامعه از قاضی، به شدت متأثر از هم‌نشینان و شبکه روابط اوست.

در محیط کار نیز حفظ متانت در برابر فشارها و رفتارهای نابسامان مراجعان، آزمون بزرگ تقوا به‌شمار می‌رود. واکنش قاضی باید بر پایه صبر، تدبیر و وقار باشد، نه خشونت، تهدید یا تحقیر. حتی در مواجهه با مجرم، توهین و فحاشی جایز نیست؛ زیرا قاضی با ارتکاب منکر، خود از مدار عدالت خارج می‌شود. قدرت واقعی قاضی در مهار خشم و ایجاد آرامش متجلی است و هدف نهایی باید اصلاح، آگاهی و پشیمانی متهم از طریق رفتار عادلانه و متین باشد؛ چراکه بی‌تقوایی را نمی‌توان با بی‌تقوایی اصلاح کرد.

الف. مسئولیت‌پذیری اداری و سازمانی؛

یکی از ارکان مغفول اما تعیین‌کننده در اخلاق حرفه‌ای قضائی، مسئولیت‌پذیری اداری و سازمانی است. این رکن ناظر به اجرای دقیق وظایف قانونی، رعایت حقوق همکاران و مراجعان، و صیانت از اموال و منافع عمومی در سطح سازمانی است. اخلاق قضائی تنها در صدور رأی عادلانه خلاصه نمی‌شود، بلکه در نحوه حضور، همکاری و پاسخ‌گویی در ساختار اداری نیز معنا می‌یابد.

یکی از مصادیق مهم در این حوزه، احترام به حق مرخصی و جلوگیری از ترک فعل جانشین است. مرخصی، حق قانونی برای قاضی و کارمند محسوب می‌شود؛ اما در تجربه عملی مشاهده شده است که جانشین فرد مرخصی‌رفته، از انجام وظایف محوله خودداری کرده و امور مردم را معطل می‌گذارد تا پس از بازگشت صاحب سمت، انباشت کارها بر او تحمیل شود. این رفتار، نه تنها تضییع حق قانونی همکار است، بلکه مهم‌تر از آن، موجب تضییع حقوق مردم و اخلال در جریان عدالت می‌شود. ترک فعل جانشین در چنین مواردی، مسئولیت‌آور و قابل پیگیری است.

ب. حفاظت سازمانی از کارکنان موفق موفقیت

هر قاضی یا کارمند موفق، در واقع بخشی از موفقیت کل دستگاه قضائی است. با این حال، تجربه نشان می‌دهد که گاه افراد موفق، به جای تشویق، هدف حسادت، سعایت و تخریب شخصیت قرار می‌گیرند. این پدیده از آفات جدی سلامت سازمانی است. مسئولان ستادی و مدیران ارشد مکلف‌اند با چنین رفتارهایی برخورد قاطع داشته باشند. تجربه عملی نشان داده است که مواجهه مستقیم و حضوری با منشأ اختلاف، یکی از مؤثرترین راهکارها برای خنثی‌سازی این آسیب‌ها در مراحل اولیه است.

ج. رعایت غبطه بیت‌المال و نقش الگوبودن مدیران

رعایت غبطه بیت‌المال، به‌ویژه از سوی مدیران ارشد قضائی، نقش بنیادین در نهادینه‌شدن اخلاق سازمانی دارد. زمانی که دادستان، رئیس دادگستری یا مسئولان ستادی، بدون توجه به صرفه‌جویی و مصلحت عمومی، از اموال و امکانات عمومی بهره‌برداری شخصی می‌کنند، انتظار پابندی زیردستان به این اصل، غیرواقع‌بینانه خواهد بود. تجربه نشان داده است که الگوبودن مدیران، مؤثرترین عامل در رعایت بیت‌المال در سطوح پایین‌تر سازمان است.

د. مبارزه با ترک فعل قضائی و اداری

یکی از جدی‌ترین چالش‌های اخلاق حرفه‌ای در دستگاه قضا، ترک فعل قضائی و اداری است. نمونه‌ای مستند از بازرسی یک دادسرا نشان می‌دهد که امتناع یک بازپرس جوان از رسیدگی به پرونده‌هایی که در صلاحیت دادیار بود - حتی با وجود ارجاع قانونی از سوی دادستان و کمبود شدید قاضی - مصداق روشن ترک فعل مؤثر بر حقوق مردم است. این امتناع، که ریشه در لجبازی اداری و تفسیر سلیقه‌ای صلاحیت داشت، نهایتاً به تشکیل پرونده انتظامی انجامید، اما پیش از آن خسارات جبران‌ناپذیری به ارباب‌رجوع وارد کرد.

این تجربه نشان می‌دهد که قاضی نباید در برابر وظایف محوله، موضع لجباجت اتخاذ کند. تقوا اقتضا می‌کند که حفظ نظام، حقوق مردم و کارآمدی عدالت، بر سلايق شخصی و برداشت‌های فردی مقدم باشد.

ز. برخورد با تعصب قومی و مهار گرایش‌های شخصی

از دیگر آسیب‌های تجربه‌شده در عرصه قضاوت، تعصب قومی و قبیله‌ای است. در مواردی مشاهده شده است که قاضی، بدون توجه کافی به دلایل و مستندات پرونده، به دلیل وابستگی قومی، فردی از قوم خود را تبرئه کرده است. این رفتار، مصداق آشکار «جاهلیت مدرن» و نشانه فقدان مهار اخلاقی لازم برای قضاوت است.

قرآن کریم معیار برتری را تقوا می‌داند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»؛ قومیت و قبیله صرفاً ابزار شناخت متقابل اند و هرگز مجوز خروج از عدالت نیستند. همه افراد، در برابر قانون و قضاوت، کاملاً برابرند.

در همین چارچوب، مهار علایق مفرط شخصی - اعم از سیاسی، قومی یا فردی - برای قضات و کارکنان قضائی ضرورتی انکارناپذیر است. علایق کنترل‌نشده، به تدریج به نقاط ضعف تبدیل می‌شوند و ممکن است مورد طمع قرار گیرند و از طریق همکاران یا مراجعان، مسیر عدالت را منحرف سازند.

ر. ثبات شخصیت اخلاقی و پرهیز از چندگانگی رفتاری

آخرین و شاید مهم‌ترین درس تجربه زیسته قضائی، لزوم ثبات شخصیت اخلاقی در همه عرصه‌های زندگی است. این تصور که اخلاق قضائی محدود به محیط کار است و قاضی در خارج از آن می‌تواند رفتاری متفاوت داشته باشد، تصویری نادرست و خطرناک است. دستگاه قضا نیازمند قاضی‌ای است که الهی، عادل، مقتدر و راسخ در باورهای خود باشد.

قرآن کریم دستور می‌دهد: «فَأَسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتُ». قاضی باید در همه موقعیت‌ها - در محل کار، در جامعه، در سفر، در داخل و خارج کشور - رفتاری واحد و قابل پیش‌بینی داشته باشد. عدالت، زمانی در نگاه مردم معنا می‌یابد که آن را نه فقط در رأی، بلکه در رفتار روزمره قاضی مشاهده کنند. چندچهرگی و چندگانگی رفتاری، بزرگ‌ترین دشمن اعتماد عمومی است.

این بخش نشان داد که اخلاق حرفه‌ای در نظام قضائی، مفهومی صرفاً نظری یا قانونی نیست، بلکه در میدان تجربه زیسته قضات معنا می‌یابد. تجربه عملی اثبات می‌کند که عدالت، بیش از آنکه محصول مقررات باشد، حاصل سلامت نفس، مسئولیت‌پذیری سازمانی، شجاعت اخلاقی و ثبات شخصیتی قاضی است. آموزه‌های دینی و قوانین، چارچوب‌اند؛ اما این چارچوب تنها زمانی به عدالت عینی تبدیل می‌شود که قاضی آن را در تمام ساحت‌های زندگی حرفه‌ای و شخصی خود به کار بندد.

منابع

- قرآن کریم (ترجمه: محمد مهدی فولادوند).
- ابن جوزی، زاد المسیر ج ۵.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ ق)، تاریخ ابن خلدون، تصحیح زکّار سهیل، چاپ دوم، لبنان: دارالفکر.
- ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه.
- القرطبي أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين، تفسير قرطبي ج ۱۱.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، محقق، مصحح، درایتی، مصطفی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ ادب قضا در اسلام، مرکز نشر اسراء، ص ۵۰، نشر قم ۱۳۹۰.
- حرانی یا حلبی ابو محمد حسن، تحف العقول.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا.
- روضة الواعظین، فتال نیشابوری.
- ری شهری محمد محمدی، میزان الحکمه ج ۴.
- راغب اصفهانی، مفردات.
- مجمع البیان، ج ۷، ص ۹۲؛ ج ۹، ص ۲۲۴.
- بهایی ابوالفضائل محمد بن حسین عاملی، کلیات اشعار شیخ بهایی، به کوشش غلامحسین جواهری ج ۳، کتاب فروشی محمودی ۱۳۷۲ شمسی.
- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸ و ۱۲.
- صدوق محمد بن علی، الخصال.
- صدوق، محمد بن علی، امالی.
- کلینی اصول کافی، ج ۲.
- طبرسی علی بن حسن بن فضل، مشکاة الانوار.
- طبرسی، مجمع البیان ج ۷ و ج ۹.
- علاءالدین علی بن حسام معروف به متقی هندی، کنز العمال.
- علی بن عیسی بن الاربلی، کشف الغمّه، ج ۲.
- فانی، کامران و خرمشاهی، بهاءالدین، دانش نامه موضوعی قرآن.
- فیض، علیرضا (۱۳۷۳)، مبادی فقه و اصول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قانون اساسی
- قانون نظارف بر رفتار قضات

- قانون رسیدگی به تخلفات اداری
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحارالأنوار؛ ج ۱۰۴ و ج ۶۷ و ج ۴۶، مؤسسة الوفاء، تاریخ النشر: ۱۴۰۳ هـ. ق؛ (ط - بیروت) (۱۴۰۳ ق)، چاپ: دوم.
- موسسه دائرةالمعارف، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع) ج ۲ (زیر نظر محمود هاشمی شاهرودی).
- نجفی، محمدحسن بن باقر بن عبدالرحیم، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۷، بیروت، دار احیای التراث العربی، بی تا، ج ۴۰.
- نهج البلاغه.
- معین: فرهنگ.

مقاله

- «اصول اخلاقی برخورد با متهم در سیره قضائی امام علی (ع)» نوشته سیدروح الله پرهیزکاری (پژوهشنامه اخلاق، سال هفتم، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۲۶، ص ۱۳۵).
- فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری (سال دوم، شماره های ۲۱، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۸۶، نویسنده مسئول اخلاق و حقوق دکتر ناصر کاتوزیان استاد دانشکده حقوق، دانشگاه تهران).
- سند تحول قضائی (۱۴۰۲)، سند تحول و تعالی قوه قضائیه، (محل انتشار ذکر نشده است).
- بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷)، منشور راهبردی رهبر معظم انقلاب اسلامی، (محل انتشار ذکر نشده است).